یادنامهمهندس کریمساعی پدرجنگلبانی ایران مرد چنار و کاج

آنچەبەجايىنرسد فرياداست

«ساعي»ديگري نيازداريم يادداشتىاز محمدر ضامر وىمهاجر

گفتوگوبااولینزن فارغالتحصیلدررشته التحصيل-رر جنگلومرتع حال جنگلهای ایران خوبنيست بهایدههایعملیاتی، مثل أيدههاىمهندس ں۔ ساعینیازداریم



فضاى پايان انسان در شكل انسان



من فضای زندگی امسروز را در چند ویژگی وصیف می کنم. شاید مهم تریس عنصری که بتُوان بسرای فضای حاکم امروز بیان داشـ ست که جهان کنونی، جهان «فرامتافیزیک» است د .چن ری . . ی است؛ همـه نظامهـای متافیزیکی پیشـین فروپاشــیده و هیچ نظام فکری نداریم که بتواند ... به مــا در توصيــف و فهم جهان يــارى دهد. هم نظامهای تئولوژیک قدرت را از دست دادهاند و هم نظامهای متافیزیک. به بیان ساده تر امروز بشر به هیچ نظام فلسفی خاصی اعتقاد ندارد تا براساس آن جهان و زندگی خود را تبیین کند. به ر تعبیر «جیانی واتیمو» روزگار ما یا روزگار در هم شکستگی انتولوژی یاانتولوژی درهم شکستگی است. هیچ نظام متافیزیکی نمی تواند پایگاه استواری برای خود فراهم کند و ما با ترکیبی از نظامهای گوناگون مواجه هستیم. در این روزگار همه نظامهای تئولوژیک بی اعتبار شده و صرفا

جهان تلقىمىشوند. ویژگی دوم، فقدان امنیت انتولوژیک است. بشر روزگار م با فرویاشے همه نظامهای اندیشگی، بی خانمان و بی مأوا شده و هیچ تکیه گاهی ندارد. لــناامنیت «وجودشــناختی» خود را از دســت

داده است. امروز مهم ترین وصف روز گار کنونی نهيليسم است كه بهعنوان فقدان وجود يك بنياد معنابخش و فقدان وجود یک اصل استعلایی در جهان به یکی از مهمترین عناصر نظری و فلسفی ما تبدیل شده است. به دنبال این نهیلیسم، مرگ بنیاد، مرگ امر مطلق، مرگ بنیاد ارزش ها، مرگ حقيقتُ، مرگُ اخلاق و به دنبال همه اينها مرگ انسان اشاهدهست

سان راشاهدهستیم. روزگار ماروزگاری است که حقیقت بهعنوان امری متعالی و قدسی از زندگی رخت بربسته؛ حقیقت امری انسانی شده به این معنا که حقیقت نه حاصل انگشاف یک امر قدسی و متعالی بلکه به منزله امری حاصل تولید و جعل انسان تلقی مىشىود بشىر رابطه خود را با ميراث تاريخى از دست داده و هیچ اتوپیایی هم ندار د. وقتی به وضع

موجود می پــردازد درواقع تمام تلاشــش حفظ وضع موجود است. نه گذشسته دارد و نه آینده. تیجه هم این می شود که زمان حال به نحو کامل سیطرہ پیدا می کندو روزمر گی و زندگی روزمرہ به یک امر متافیزیکی تبدیل ش قریب به اتفاق بشر اسے بروز مرگی است و برای ارضای نیازهای روزمره تلاش می کند درحالی که هیچ اصل بنیادین و متعالی به زندگی او ســمت و ســونمیدهد. در چنین شــرایطی مــ صرفا پارهای مسائل روزمره مثل ترافیک، گرانی، آلودگی هوا، بحرانهای اقتصادی و سیاسی یا حتی بحرانهای آموزشی و فرهنگی نیست. به اعتقادمن در روزگار کنونی ما با خطر مرگ انسان یابه بیان بهتر با خطر مرگ انسان به حیوان مواجه

ــن جهانـــی فردگرایی، اتمیزه شـــدر انسانها وعدم احساس تعلق فردبه جامعه و دیگــری، یکی دیگر از اوصاف فضای زیســتی ما است. به تعبیری قبیله یعنی یک نفر. مبانی جغرافیایی سرزمینی سیاست متزلزل شده و نیز مبانی سرزمینی هویت هم.

یا آسیایی نمی بیند. هرجا بیشتر به خدمات اجتماعی دست پیدا کند به آنجا مهاجرت می کند. مفهوم ملت به عندوان یک عنصر ى عويتبخش رخت بربسته، همب ے کم شــدہ، روابــط مجازی شــدہ و بــه فضاهای -ــت. ایمان به فرد برای مجازی کشیده شده اس اصلاح حیات اجتماعی تضعیف شده و نیروی رهایی بخش برای مبارزه با وضع موجود وجود ندارد حتى نيروهايي كه قرار است بااين وضع مقابله کنند خود به نیروهایی برای حفظ شرایط فعلی تبدیل شدهاند. مرگ اتوپیسا مخالفت با مفهوم ستیزه و پایان یافتن عصر انقلاب است. در مهابه شدت فر درااسیر کردهاند. روز گار ماسیس اُز سُویی نیز اصالتها و امر سیاسی و احساس تعهد به جامعه به امر اقتصادی و بهرهمندی از جهان تنزل پیدا کرده است. رسانهها جهانی مجعمول وغیرواقعی را برای انسمانها شمکل مىدھنىدوخلاصەاينكەاخىلاق بردگى و

شدت, شدییدا کرده است.

هیچکس خصود را به منزله یسک ایرانی، عرب

ساس از خود بیگانگی میان افسراد جُوامع به

عامل دیگری که در فضای زندگی امروز خیلی

دردآور است، به نظر من فساد است. در فضای

یک نظام ارزشی، فساد خیلی ناراحت کننده است

اگریک نظام غیرارزشی مثل کرهشمالی و کوبا بود شاید گسترش فساد در آن این قدر دردآور

نبود. اما در فضای ارزشــی، رواج ضدارزش خیلی ناراحت کننده است.اینها عواملی هستند که دست

به دست هم داده و جامعه امروز را از نظر روانی ناآرام

رهایی از آن سخت است ولی ناممکن نیست.

اینُ تبعیضُ های گســترده و فُسادهای مالی مثل

اختلاسها و دزدی ها باعث شده مردم ما با این که

هر وقت به هم می رســند عاصی و ناراضی اند این

مشکلات را باید مسئولان درک کنند و اقدامات

عملی در راُستای رفع آناُن صورُت گیرد. باُاین حال

امروز مسئولان ما هم مثل غيرمسئول ها حرف

مى زنندومى گوينداين مشكل را داريم و بايداين

وآن اتفاق بيفتد؛ غافل از اين كه اين بايدهاو نبايد در

ذاتا شــاد واميدوار و خوشبين هسـ

. ص نستخودشان است.

داخلى وخارجى مابه دارند

سبك معماري وطراحي تیرهشدنمیرودو تیرگی وهمچنین بکنواختی، آسیبهای روحی و ذهنی ىسىارى رايەھمراەدارد. برخیمی گویندکه ایرانیان به اینسبکهاگرایشبیشتری امروز فضای دلچس

مثال زدنسي بوده كه آميخته بافرهنگي ملي و دینی ما است. ایس معماری در جهان ر ...ی تحتعنوان معماری ایرانی-اسلامی شناخته می شـود. امروزه با پیشــرفت علم معماری و توسعه شهرســازی در سراســر جهان، شاید این گونــه به نظر برســد که معمـــاری ایرانی-اســـازمی به فراموشی سپرده شــده است، اما بزرگترین معماران و طراحان جهان هنوز هم از سبکهای متنوع و مختلف این شیوه استفاده کرده و الهامهای بسیاری می گیرند. امروزه بسیاری از مجلات، سایتها و رسانههای

امروره بسیاری رسبد...... مرتبط باعلـــم معماری نویـــن، بارهـــا از تاثیرات میق معمــاری ایرانی-اسلامی در معماری جهان گزارشهای متنوعی را منتشر كردهاند ازجمله ایسن طُراحُسان بسُزرگ تــوان بــه «جاناتــان سی رہ. کوریل»اشــارہ کرد که با ذكر مثالهاي مختلف، به صراحت اعلام کرده است ے۔ کەبسیاری از بناھای مھم در اروپاو آمریکا که طی حدود ۲دهه اخیر ساخته

شدهاند، از این سبک معماری الهام گرفتهاند. و امیدبخشی نباشد. علت اصلی این است که حتی در طراحی داخلی و دکوراسیون نیز می توان این اثر پذیری جدی را مشاهده کرد، تاسفانه در معماری شیهری داخل ایران، دیگر نمی تــوان خیلی هنر معمـــاری آیرانی-اسلامی اثراتی رامشاهده کرد. شایداین سبک امروزه تنها در ساخت مساجد، اماکن متبرکه و امامزادهها نمود داشته باشد که متاسفانه نُمودی کپی شده و تقلیدی است و دیگر اثری از خلاقیت که از جمله ویژگیهای اصلی معماري ايراني-اسلامي استُ، ديد یکی از آسیبهای جدی معماری امروز در ایران این است که مااز رنگهای متنوع و شاد در ساخت و سازها و حتى در د كوراسيون داخلى

فضای شهری زندگی و گذار به تیرگی

ا ثريا اسماعيلي الرشيتكت وطراح

ایران طی ادوار مختلف دارای هنر معماری کمتر استفاده کرده یا اساسا استفاده ای نداریچ برخى معتقدند كهعدم استفاده ازرنگ هاى شاد ومتنوع بهدليل روحيه تاريخي ايرانيان بوده كه ر معماری نصوری اشتباه و غلط است، چراکه در معماری تاريخى ايرانى واسلامى،بهويژه در أيينه كارىها و نماهای داخلــی و بیرونی از رنگهای شــاد استفاده بسیاری شده است. عدم استفاده از تنوع رنگی در شهرسازی و همچنین طراحی داخلی، نوعی سرخوردگی وافسردگی رانشان میدهد که شاید در زندگی روزمره نسل امروز بتوان از آن نشانه های زیادی یافت. اگر به فرهنگ رنگها در هنر معماری و نقاشیی تُوجه کنیم. درمی بابیم که رنگهای شادبه نوعی آرامش بخش

علتاصلى اين استكه

نشاطُ اُور، سرزنده، با روح ر سبکمعماری و طراحی داخلی و خارجی مابه سمت تیره شدن می رود و تیرگی و همچنین یکنواختی، آسیبهای روحی و ذهنی بسیاری رابه همراه دار د.

و ضداسترس و افسردگی

بهشـمار میآینـد و در

مقابسل رنگهای تیره

و حتی رنگ آمیری یکنواخت و بدون تنوع

نیز چنین آسیبهایی رابههمــراه دارد ســبک

. شهرســـازی و معمـــاری

امروزی ما موجب شده که

فضای زندگی برای نسل

برخی می گویند که ایرانیان به این سبکها ر کی کی رہ گرایش بیشتری دارند، که در پاسخ باید پرسید، اگر این نظریه صحیح است، پس چرا مردم از هر فرصتی، حتی اندک و کوتاه برای دل کندن از زندگی شهری استفاده کرده و به دامان طبیعت ر کی ادر کی این است که فضای پناه می برند؟ علت اصلی این است که فضای زندگی از نظر سخت افزاری برای آنها دلنشین وراحت نيست وبه همين دليل به طبيعت پناه

ناآرامي در فضاي آلوده به تبعيض

مردم را ناآرام کرده است. امروز در انگلیس، آمریکا و آلمان ۹۰ درصد مردم زندگی مشابهی دارند؛ اما یک عدمای هم هستند که

طبقه غیرعادی دیگر وارد این حتی یک کا گ افغانی هم ر حامعیه میا پیک عامل

ر . بزرگی که باعث به هم ریختن روان مردم وناآرام شدن جامعه مى شود همين مخلوط شدن

ناممکننیستاین تبعیضهای گستر دەوفسادهای مالی مثل اختلاس هاودزدی ها باعث شده مردم مابااین که ذاتاشادواميدوار وخوشبين هستند،اماامروزهروقتبه میرسندعاصیوناراضیاند. اینمشکلاترابایدمسئولان درککنندواقداماتعملیدر راستایرفع آنان صورت گیرد درست و حســابی در کلاس

به همهچیز اســت. حتی گورســتانها هم امروز در جامعه ما طبقاتی شــده اســت. در گورستانی که نام بهشــتزهرا (س) رادارد، هم قبر چند صد

میلیونی داریم و هم قبر عزیز شان را در قسمتهایی ندار دخاک می کنند، احساس ناراحتی میکنند. همینطور در نظام آمــوزش و پرورش ما نیز تبعیـض دیده میشـود. بچهای کے خانےوادہ متمول بر دارداز همه امکانات آموزشی و کمک آموزشی برخوردار است ولى بچە دىگرى حتى نىمكت

درسش نیست. این دو عامل در جامعه امروز ما باعثُ ناراحتی روانی مردم است؛ گسترش تبعیض از خانه، خودرو و مدرسه گرفته تاگورستان.

یت سنده می مراسطه در ادر از روانی از آن سخت است ولی ۵۰۰ هزار تومانی. مردمی که

فوتبالیستهایی کهمیلیاردها دلار حقوق می گیرند. اما این اکثریت ۹۰ درصدی نمی شود. اگر به آنجا برُود دُر حد مردم عادی همان کُشور می تواند زندگی خودرابگذراند.

فقراواغنياوزيادشدن تبعيض درهمه محيطهاى انسانی است. عامل دیگری هم که دل هار ا غمگین وفضاى زندگى امروز راناآرام مى كند بسط تبعيض

1 ه نظر من در فضای زندگی مردم جامعه ماامروز نوعی ناآر امی و و ناخشنودی و حوددار دیوطوری که ه شکلی احســاسُ کمبود و حس می ک چیزی ندارند یا چیزی کم دارند و باید بهتر از این زندگی می کردند در فضای زندگی ما تبعیض در ر سطح جامعه زیاد شده است. فاصله طبقاتی در ستنت .--- ری-خانوادهها، محلهها، فامیل و شهر بسیار زیاد شده

به یاد دارم سال ها پیش اقلیتی در جامعه بود که کلا جدا از زندگی متداول اکثریت متوسط پایین جامعه بودند و طــوری نبود که زندگی آنها ر چشم مردم فقير باشــدُ تا احساس بدي به اين طبقات دست دهد اما امروز متاسفانه همه چیز ، با هم خلط شده است. تبعیض تا حدی زیاد شده که مثلا یک برادر برای ۵میلیون وام به هر دری می زند و برادر دیگر میلیادی درآمد دارد و شـاید